

تاریخچه هماتولوژی در ایران و یادی از قدیمی ترین هماتولوژیست ها - بخش دوم

این بخش از ماهنامه با عنوان "تاریخچه هماتولوژی در ایران" به همت دکتر نصراله سیار به رشته تحریر درآمده است. این مطلب خواندنی شامل چند بخش است که در شماره پیشین (۱۳۳)، به بخش نخست آن پرداختیم. در ادامه بخش دیگر را می خوانیم.

را که چند طبقه داشت اجاره کرد. آن محل را به صورت زیبایی تزیین کرد و وسائل اتوماتیک را وارد و در آنجا مستقر کرد.

سازمان انتقال خون ایران در تاریخ نهم مرداد سال ۱۳۵۳ افتتاح شد. دکتر علا رئیس بخش خون بیمارستان امام خمینی بود، لذا با توصیه ایشان تعدادی از پزشکان و تکنسین های بخش خون قبول کردند که با سازمان انتقال خون همکاری کنند و پرسنل دیگر مورد لزوم را هم استخدام کرد.

آقای دکتر علا با ارتش هم صحبت کرد و سازمان انتقال خون ارتش را که ریاست آن با آقای دکتر میرزا آقا افتخاری سرهنگ ارتش بود با سازمان انتقال خون ایران تلفیق کرد و آقای دکتر افتخاری را به سازمان انتقال خون منتقل کرد.

برای شروع به جلب اهدا کنندگان خون از طبقات بالای جامعه کرد. با وزراء و روسای موسسات ملاقات می کرد و وضع غیرقابل قبول انتقال خون در ایران را برای آنان شرح می داد و تقاضای کمک می کرد بدین ترتیب تدریجا اهدا کنندگان خون افزایش یافت.

بعضی پزشکان و افراد تشکیلاتی برای انتقال خون ایجاد کرده بودند. با کمک دلالتان حرفه ای از افراد خون می گرفتند و مبلغ ناچیزی به آنان می پرداختند و این خون ها را به قیمت گزاف برای مصرف بیمارستان های خصوصی می فروختند.

هماتولوژی رشته ای از علوم پزشکی است که خون و بافت های خونساز را بررسی می کند. توضیح بیشتر آنکه هماتولوژی یکی از رشته های فوق تخصصی بیماری های داخلی است و دارای دو بخش عمده است: هماتولوژی بالینی و هماتولوژی آزمایشگاهی. در بخش آزمایشگاهی، شناسایی سلول های طبیعی و غیر طبیعی خون و مغز استخوان اهمیت خاصی دارد. اغلب موارد تشخیص قطعی و در بعضی موارد تشخیص احتمالی بیماری های خون به وسیله بررسی های سیتومورفولوژی انجام می شود. سابقه آشنایی با مرفولوژی هماتولوژی در ایران به کمتر از ۸۰ سال قبل می رسد.

تاسیس سازمان انتقال خون ایران

دکتر علا از مشاهده وضعیت انتقال خون بیمارستان به شدت متاثر می شد. لذا تصمیم گرفت که سازمان انتقال خونی احداث کند که دارای ساختمان مناسب و امکانات و تشکیلات خوبی باشد و خون دهندگان به طور رایگان اهداء خون کنند. با موقعیت علمی و احترام خاصی که دکتر علا داشتند، با آقای خداداد فرمانفرمایان رئیس سازمان برنامه و دکتر شیخ الاسلام زاده وزیر بهداشتی صحبت کرد و با کمک و راهنمایی های آنها توانستند ماده ای از مجلس بگذرانند که در نتیجه آن سازمان انتقال خون ایران موجودیت قانونی پیدا کرد. پیرو آن مبلغ ۸۰۰،۰۰۰ تومان از سازمان برنامه و بودجه پول گرفتند. در خیابان ویلا (نجات الهی) محل سابق تهران کلینیک



از راست: دکتر سیار - خانم اساعیل زاده (سرپرستاربخش خون)، خانم دکتر کلانتری (فوق تخصص خون و سرطان بزرگسالان)، دکتر اردشیر قوام زاده (استادممتاز خون شناسی دانشگاه تهران) دکتر جلیل واعظ قراملکی (استاد خون و سرطان دانشگاه تبریز)

منطقه ای مدیترانه (WHO-EMRO) همکاری داشت و به وسیله WHO برای انجام ماموریت به کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی مسافرت کرد.

دکتر علا پس از بازگشت به ایران در سال ۱۳۷۸ همچنان به کارهای علمی ادامه می داد و می دهد. جلسه انتقال خون هر دو سال یکبار توسط سازمان بهداشت جهانی برگزار می شود. بنا به اصرار دکتر علا این جلسه در سال ۱۹۹۹ در ایران برگزار شد.

دکتر علا تصمیم گرفت تشکیلات علمی و تحقیقاتی مفصلی برای تشخیص و درمان هموفیلی ها و بیماری های خونریزی دهنده ایجاد کند. برای اینکار ساختمان نیمه خرابه ای را در خیابان جویبار حوالی بیمارستان مهر در نظر گرفت.

با کمک خیرین و شهرداری آن را به ساختمان زیبایی با چند طبقه و اطاق

که لازم بود گلوبول قرمز شسته شده در اختیار قرار داده می شد.

در سازمان انتقال خون کارهای علمی و تحقیقاتی روی پلاسما انجام می دادند و مشتقات پلاسمائی را از آن جدا می کردند. آلبومین برای سوانح و سوختگی، ایمونوگلوبولین برای عفونت ها و فاکتورهای انعقادی متراکم تهیه می کردند.

نیاز بیشتری به شرح خدماتی که این سازمان انجام داده و می دهد نمی بینم. همین قدر به اختصار می گویم که در جریان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی چقدر به مجروحان جنگی کمک شد و جان آنها نجات پیدا کرد.

آقای دکتر علا تا سال ۱۳۵۸ بخش خون بیمارستان و سازمان انتقال خون را اداره می کرد. در سال ۱۳۶۰ به انگلستان رفت. در آنجا هم به کارهای علمی و تحقیقاتی ادامه داد. با سازمان بهداشت

این دلالتان حرفه ای که منافع کثیف خودشان را در خطر می دیدند بارها برای دکتر علا مزاحمت ایجاد کردند.

در سازمان و محل های انتقال خون از اهداکنندگان خون سوالاتی در مورد سوابق پزشکی شان می کردند و پس از اطلاع از سلامتی آنها، در حالی که روی تخت دراز کشیده بودند خون گرفته می شد سپس پذیرایی مختصری از آنان به عمل می آمد.

از خون های اهدا شده، آزمایشات لازم برای بیماری ها و هیپاتیت B به عمل می آمد و پس از اطلاع از سلامت خون مورد استفاده قرار می گرفت.

به کمک دستگاه ها و ساترفیوژها قسمت های عمده خون از همدیگر جدا می شد. لذا پلاسما - پلاکت ها - در صورت لزوم گلوبول های سفید از خون جدا می شد و گلوبول های قرمز برای تزریق آماده می شد. در مواردی

در بخش خون ادامه داد و می دهد.
دکتر کیهانی پزشکی خیلی حاذق
و در تشخیص بیماری های خون و
سرطان ها و درمان آنها تبحر خاص
دارد و با پزشکان و همکاران رفتار
صمیمانه ای دارد.

دکتر سید نصرالله سیار

بنده در سال ۱۳۰۴ در مشهد متولد
شدم. خانواده ما پس از چند سال به
تهران آمد. دوره دبستان و دبیرستان و
دانشکده را در تهران گذراندم و در سال
۱۳۳۰ دیپلم پزشکی گرفتم.

در سال ۱۳۳۴ توسط آقای دکتر آذیر
ریاست آزمایشگاه بیمارستان هزار
تخت خوابی به عنوان دستیار انتخاب
شدم. دکتر آذیر مردی فعال و متواضع
بود.

در سال ۱۳۳۶ متخصص در رشته
آزمایشگاه بالینی شدم و با عنوان رئیس
درمانگاه (معادل استادیار فعلی) به
استخدام دائمی دانشگاه تهران درآمدم.
در سال ۱۳۳۹ به انگلستان رفتم و
مدت دو سال در زمینه هماتولوژی
تحصیل کردم و در سال ۱۳۴۱ پس از
بازگشت به ایران، مشاور هماتولوژی
بخش های داخلی و بخش های دیگر
بیمارستان شدم. در سال ۱۳۴۸ به مدت
یکسال برای تحقیقات و انجام کارهای
هماتولوژی به آمریکا رفتم.

در سال ۱۳۵۳ بنا به درخواست آقای
دکتر علا ریاست محترم بخش خون از
گروه آزمایشگاه بالینی به گروه بیماری
های داخلی منتقل شدم و در بخش
خون مشغول به کار شدم. در سال
۱۳۵۵ دیپلم تخصصی بیماری های
داخلی گرفتم. در سال ۱۳۷۵ بازنشسته
و پس از آن تا سال ۱۳۸۰ به طور



از راست: دکتر سیار - دکتر فریدون علا (آبان ۷۸)

به سر می برد. هرچه درباره آقای دکتر
علا بگویم کم گفته ام فقط به این شعر
سعیدی اکتفا می کنم:
عبادت به جز خدمت خلق نیست
به تسبیح و سجاده و دلخ نیست

دکتر منوچهر کیهانی

در سال ۱۳۱۹ در تهران متولد شد. دوره
دبستان و دبیرستان و دانشکده پزشکی را در
تهران گذراند و برای ادامه تحصیلات بعدها
راهی آمریکا شد.

در آمریکا رشته تخصصی داخلی و
فوق تخصصی هماتولوژی را گذراند.

در سال ۱۳۵۳ با عنوان استادیار
دانشگاه تهران استخدام شد. مدت
۵ سال رئیس بخش خون بیمارستان
امیراعلم بود و سپس به بیمارستان امام
خمینی منتقل شد.

از سال ۱۳۵۸ تا مدت ۱۰ سال سرپرست
درمانگاه بیماران خونریزی دهنده و
هموفیلی ها بود. بعدا به خدمات خود تا
زمان بازنشستگی ادامه داد. استاد کیهانی
پس از بازنشستگی هم به خدمات خود

های متعدد تبدیل کرد. پرسنل مورد
لزوم را استخدام کرد. برای کارهای
تحقیقاتی، تکنسین های کارآموده را
انتخاب کرد.

خانم بیدار تکنسین باتجربه
بازنشسته آزمایشگاه هموفیلی مجتمع
بیمارستان امام خمینی و آقای جاذبی
تکنولوژیست باتجربه و بازنشسته
سازمان انتقال خون را استخدام کرد.
آقای جاذبی از آن افراد استثنایی است
که تبحر خاصی در تشخیص و کارهای
آزمایشگاهی بیماران هموفیلی و بیماری
های خونریزی دهنده دارد.

در ضمن دکتر علا آزمایشگاه تحقیقاتی
- آزمایشگاه میکروبیولوژی سطح بالا -
آزمایشگاه ژنتیک را هم ایجاد کرد.

تشکیلات رادیولوژی در طبقه زیر
همکف ایجاد کرد. به علاوه تشکیلات
دیگری مانند دندانپزشکی.

آقای دکتر علا ریاست افتخاری این
مرکز «مرکز جامع تشخیص و درمان
هموفیلی ایران» را به عهده دارد و
سالیانه ۶ ماه از سال را در انگلستان

قراردادی در همان بخش خون مشغول خدمت بودم. در سال ۱۳۸۰ به بیمارستان دکتر شریعتی رفتم و در بخش تحقیقاتی هماتولوژی - انکولوژی و پیوند استم سل به ریاست دکتر اردشیر قوام زاده مشغول به کار شدم. برنامه کاری بنده، آموزش مرفولوژی هماتولوژی به فلوهای رشته هماتولوژی - انکولوژی بود. در سال ۱۳۸۷ به علت بیماری همسر دیگر نتوانستم به کار ادامه دهم ولی از آن تاریخ به بعد هم همیشه با آن بخش در ارتباط هستم و زمان هایی برای آموزش مرفولوژی هماتولوژی به فلوها به آنجا می روم. دکتر قوام زاده به بنده حقیر خیلی لطف دارند و بنده را به به آمدن به بخش تشویق می کنند. آقای دکتر محمد جهانی معاون ایشان و سایر همکاران نیز نسبت به بنده نهایت لطف را دارند.

خدمات آموزشی در آزمایشگاه بیمارستان

زمانی که در آزمایشگاه بیمارستان هزار

تخت خوابی کار می کردم همکارانی که دوره آموزشی آزمایشگاه بالینی را می گذراندند، برای گذراندن یک دوره آموزش هماتولوژی به آزمایشگاه معرفی می شدند. مسئولیت آموزش هماتولوژی به آن ها با بنده بود. چون می دانستم که نقطه ضعف آزمایشگاه ها بخش هماتولوژی است، سعی می کردم تا حد امکان مرفولوژی هماتولوژی را به آنها بیاموزم. بنده مدت ۱۲ سال از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۳ به این همکاران آموزش می دادم و پس از پایان دوره از آنها امتحان می گرفتم. خوش بختانه همه آنها در این مدت در امتحان قبول شدند. بعضی افراد گروه ها پس از پایان دوره آموزشی تا مدتی نزد بنده می ماندند و با آنها کار می کردم. خیلی خوشوقت هستم که در بین آزمایشگاهیان قدیمی دوستان بسیار خوبی پیدا کرده ام.

خاطره ناگواری که در مورد یکی از آنها دارم این است که همکاری بود اهل گرگان قیافه ترکمنی داشت. خیلی باهوش و مورد

علاقه شدید بنده بود. مدت ها به آزمایشگاه می آمد تا اینکه مرفولوژی هماتولوژی را به خوبی یاد گرفت و به گرگان برگشت. فکر می کردم که منشاء خدمات ارزنده ای خواهد شد.

پس از مدت کوتاهی شنیدم که در دریا غرق شده است. خیلی متأسف شدم و هنوز هم هر وقت بیادش می افتم ناراحت می شوم.

باید بگویم که بنده حقیر علاوه بر رشته هماتولوژی از پیشکسوتان رشته آزمایشگاه بالینی هم هستم و از این بابت مفتخرم. با اینکه عنوان مقاله «تاریخچه هماتولوژی در ایران و یادى از قدیمی ترین هماتولوژیست ها» هست، بنا بر این گذاشتم که ذکر خیری به اختصار از پیشکسوتان آزمایشگاه بالینی هم کرده باشم که در ادامه معرفی می شوند.

* ادامه این مطلب خواندنی را در شماره آتی مطالعه کنید.

مشهد میزبان همایش بین المللی سلول های بنیادی و پزشکی بازساختی

همایش بین المللی سلول های بنیادی و پزشکی بازساختی، فروردین امسال با حضور حدود یک هزار و ۲۰۰ پزشک و پژوهشگر با حضور اساتید، پزشکان، پژوهشگران و دانشجویان دوره های تحصیلات تکمیلی به میزبانی مشهد برگزار می شود. دبیر اجرایی این همایش گفت: این همایش ۳۰ فروردین با حضور اساتید، پزشکان، پژوهشگران و دانشجویان دوره های تحصیلات تکمیلی برگزار خواهد شد.

وی بیان کرد: در این همایش ۱۲ نفر از استادان برجسته حوزه سلول های بنیادی (Stem Cells) و مهندسی بافت از کشورهای آلمان، آمریکا، استرالیا، ایتالیا، چین، مالزی و ترکیه حضور خواهند داشت. وی خاطرنشان کرد: این همایش دارای ۱۲ امتیاز آموزش مداوم برای گروه های مختلف علوم پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی (Dental) و پیراپزشکی با توجه به تناسب رشته است.

همایش بین المللی سلول های بنیادی و پزشکی بازساختی به میزبانی دانشگاه علوم پزشکی مشهد و پژوهشگاه رویان برگزار خواهد شد.

